

(۱)

(۲)

(۳)

(۴)

فهرست مطالب

فصل اول: معنای اعتکاف

فصل دوم: آیات اعتکاف

فصل سوم: روایات و سیره

فصل چهارم: داستان علماء و ائمه از اعتکاف و اشعار مناجات

فصل پنجم: احکام مراجع

شرائط اعتکاف

محرمات اعتکاف

میطلات اعتکاف

واجبات اعتکاف

ارکان اعتکاف

ماهیت اعتکاف

فصل ششم: اعمال اعتکاف (ام داوود)

(۵)

مقدمه

بحمد الله: با نهضت اسلامی ایران و رهبری‌های راهبر الهی راد مرد بزرگ تاریخ بشریت و آن تاریخ ساز بلندی که نامش از آفتاب بلندتر و نورانی‌تر و جاودانه‌تر است، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی قدس سره روحش شاد یادش گرامی باد، و همچنین شهدای راه حق و فضیلت که توانستند با نثار جان خود نور حق را جلوه دیگر بخشند و نمای حق را در دل‌های انسان برافراشته نمایند. با پیروزی انقلاب اسلامی هر روز جلوه‌هایی از فرهنگ اسلامی در جامعه نمود دیگری پیدا کرد.

و یکی از آن موارد فرهنگ دینی اعتکاف می‌باشد، که در ایام البیض ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماه رجب رشد چشمگیری پیدا نموده است. که در ایام البیض<sup>(۱)</sup> ماه رجب، [۱۳ و ۱۴ و ۱۵] دارای رشد چشمگیری می‌باشد.

۱. بیض که به سفیدی گفته می‌شود به مناسبت کامل بودن ماه و نورانیت آن این سه شب را بیض می‌گویند. هر ماه ایام البیض دارد.

(۶)

این عبادت الهی و جهاد اکبر که در سطوح حوزه‌ها و دانشگاهها و اقشار عمومی جامعه رشد چشمگیری پیدا نمود، ما را بر آن داشت، که این موضوع را با متونی از آیات و روایات به خدمت عابدان و عاشق عشق تقدیم نماییم.

امیدواریم مورد قبول حضرت حق گردد، به سوی همه عزیزان با تمام تواضع و نیاز دست‌گدائی دراز نموده و التماس دعا داریم، ما را در قنوت نیمه شب فراموش نکنید. تا بتوانیم فرهنگ ناب اسلام محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هر روز با جلوه‌ائی زیباتر و گل تازه شگفته در بهاران را به عاشقان حق و دلباختگان اسلام و قرآن تقدیم نماییم.

«پیشنهادات و انتقادات خود را طبق آدرس نشر الطیار تلفنی یا کتبی یا حضوری ارسال نمایند.»

«احسان زاهری»

(۷)

#### فصل اول: معنای اعتکاف

معنای اعتکاف: **الْبُتُّ الْمُتَطَوَّلُ**: توقف و درنگ طولانی، **الْبُتُّ فِي مَسْجِدٍ جَامِعٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَصَاعِدًا لِلْعِبَادَةِ**: توقف در مسجد جامع سه روز و بیشتر برای عبادت<sup>(۱)</sup>

اعتکاف: درنگ در مسجد بقصد عبادت، این عمل در اصل شرع مستحب است.<sup>(۲)</sup>  
حکم: اعتکاف یک عمل عبادی استجابی است. و در صورتهایی، به وسیله نذر و عهد و قسم و اجاره و امثال اینها واجب می‌گردد و هم چنین زمانی که دو روز از اعتکاف بگذرد، روز سوم واجب می‌شود.

۱. بررسی مجمع البحرین.

۲. تحریر الوسیله امام خمینی.

(۸)

#### فصل دوم: جایگاه اعتکاف در آیات الهی

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنَا وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَاهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>(۱)</sup> یاد آورید؛ زمانی که بیت عتیق، کعبه معظمه را برای مردم پناهگاه امنی قرار دادیم. مقام ابراهیم را به عنوان محل اقامه نماز انتخاب کنید، ما از ابراهیم و اسماعیل علیهماالسلام تعهد و پیمان گرفتیم، که خانه را برای طواف کنندگان (پروانه گان عاشق که گرد معشوق خود می‌گردند و اشک و عشق را نثار می‌کنند)

۱. بقره (۲): ۱۲۵.

(۹)

و معتکفین و اهل رکوع و سجده تطهیر نمایید.»

راستی ارزش کجاست؟ که بیت و خانه الهی به وسیله انبیاء الهی، چون ابراهیم خلیل الرحمان و اسماعیل ذبیح الله آماده می‌شود، تا طواف و اعتکاف عبادت کنندگان محقق گردد. و بهترین مکان جهت این عمل عبادی همان مسجد الحرام و مقام ابراهیم است.

خداوند می‌فرماید: «وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»<sup>(۱)</sup> با زنان آمیزش نکنید، در حالی که در مسجد معتکف هستید. این آیه‌ریفه بیان حکم حرمت لذات شهوانی را با زنان در حال اعتکاف بیان می‌کند.

«إِذَا قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ اللَّتْمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»<sup>(۲)</sup> ابراهیم علیه‌السلام برای آثر پدرش (عمویش) و قومش فرمود: این بت‌هایی که شما آن‌ها را می‌پرستید و برای آنها معتکف گشته‌اید چیستند؟ جواب دادند پدرانمان را عابد آنها یافتیم.

۱. بقره (۲): ۱۸۷.

۲. انبیا (۲۱): ۵۲.

### (۱۰)

پدر و عمو و قومش گفتند: «قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ»<sup>(۱)</sup> گفتند ما پدرانمان را برای بت‌ها عبادکننده یافتیم».

و در سوره شعراء جواب ابراهیم علیه‌السلام را این گونه دادند: «قَالُوا نَعْبُدُ اصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَاكِفِينَ»<sup>(۲)</sup> ابراهیم علیه‌السلام جواب دادند: ما بت‌ها را می‌پرستیم و برای آنها معتکف می‌گردیم. راستی بشر دیروز و امروز متأسفانه به چه جلوه‌هایی و چیزهایی دست التجاء و عبادت زده و به آنها پناه می‌برد. و حقیقت عالم وجود را فراموش کرده و حجاب‌ها مانع شناخت و شعور او گردیده است. باید در اعتکاف خویش از خداوند در خواست نمائیم ما را از جهل و بی‌خبری و غفلت و نسیان بیرون و به سرای نور و حقیقت و معرفت نائل فرماید.

«وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»<sup>(۳)</sup> مسجد الحرامی که برای مردم دادیم، معتکفین و حاضرین و

۱. انبیا (۲۱): ۵۳.

۲. شعراء (۲۶): ۷۱.

۳. حج (۲۲): ۲۵.

### (۱۱)

مسافرین در آن مسجد دارای حکم مساوی هستند». مسجد الحرامی که برای مردم مقیم و معتکف در مکه و معتکفین و مسافرین مساوی قرار دادیم». این آیه بیانگر آن است که همه می‌توانند، نماز را تمام و اعمال حج را بگونه‌ای واحد عمل نمایند و اهل مکه فضیلتی ندارند و عاکف بمعنای مقیم است و لذا معتکف که گفته می‌شود، چون او چند روزی را در مسجد قصد اقامت می‌نماید.

در داستان حضرت موسی و فرعون آیات زیر مطرح است:

هارون در غیاب حضرت موسی علیه‌السلام به قومش فرمود: شما امتحان می‌شوید، پرورگار شما خدای رحمان است، از من پیروی نمائید. «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»<sup>(۱)</sup> جواب دادند: ما هم چنان گوساله را می‌پرستیم و بر او معتکف هستیم، تا موسی به سوی ما برگردد».

در جای دیگر داستان حضرت موسی علیه‌السلام آمده خطاب به سامری فرمود. «وَأَنْظِرْ إِلَى الْإِلَهِكَ الَّتِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ نَمًّا»

۱. طه (۲۰): ۹۱.

### (۱۲)

لِنَسْفِتَنَّهُ فِي الْيَوْمِ نَسْفًا»<sup>(۱)</sup> بی‌اندیش، دقت‌کن، به سوی خدایت (گوساله) آن خدائی که همیشه عابدی برای او هستی و بر او اعتکافی داری. ما او را آتش می‌زنیم. و خاکستر و ذرات آنرا در دریاها پراکنده می‌نمائیم. در نتیجه تمام آثار آن را محوی می‌نمائیم».

آیات الهی نشانگر این مطلب است، که عبادت و اعتکاف و عشق بازی به سرای معشوق جزء فطرت انسان است، زیرا هر عملی که از درون و وجدان و عقل و قلب سلیم برخیزد، جزء آفرینش انسان است. منتهای امر، این استعداد و فطرت در درون بشر از جانب خداوند به وسیله رهبران الهی، انبیاء عظام و ائمه هدی علیهم‌السلام هدایت می‌گردد و مسیر اصلی خودش را می‌یابد و گاهی به وسیله رهبران باطل و شیطانهای جنی و انسی و مستکبران چون فرعون و نمرد و سامری‌ها منحرف می‌گردد. و لذا اعتکاف مذموم و ممدوح محقق می‌شود. یکی از اینها ظلمت است، و دیگری نور

(۱۳)

است یکی حق و دیگری باطل می‌باشد. در طول تاریخ از طرف انبیاء الهی و ائمه و اولیاء الهی و شهدای راه حق و فضیلت و علمای الهی، مشعلداران چراغ هدایت را با زبان و قلم و اجتهاد و استدلال نهایت تلاش و سعی را نمودند تا بشریت را در فراسوی این فضیلت قرار دهند، تا مکر و حیلۀ فرهنگی و اعتقادی فرعونیان، سامری‌ها و نمرودها را خنثی نموده تا و بت‌های انسی و جنی این فطرت خدا دادی را منحرف نسازند. تا این سرشت و عشق الهی در راستای عبادت عاشقانه و عارفانه در جوئی آزاد و پاک به رشد و بالندگی و طراوت و زیبایی خود نائل گردد.

خلاصه: موارد استعمال اعتکاف در قرآن شریف در قالب‌های عاکفون، عاکفین، عاکف به معنای عبادت کنندگان و مقیمان و کسانی که در عبادت بت‌ها ایستادگی و توقف نموده‌اند. لذا این کلمه هم در معنای مذموم عبادت بت‌های بکار رفته و هم در عبادت ممدوح خالصان درگاه ربوبی استعمال گردیده است.

(۱۴)

فصل سوم: جایگاه اعتکاف در روایات

بخش اول:

سیره نبوی در زمان و مقدار و مکان اعتکاف؛

حدیث اول: «إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْآخِرُ الْأَوْخِرُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَ ضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ، وَ شَمَّرَ الْمِيزَرَ وَ طَوَّى فَرَأْشَهُ»<sup>(۱)</sup> رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این چنین بود، زمانی که دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، در مسجد معتکف می‌شد و برای او خیمه‌ای از مو زده می‌شد و لنگ را محکم به کمر می‌بست و بستر را جمع می‌نمود<sup>(۲)</sup> (معنای دیگر برای دو جمله «شَمَّرَ الْمِيزَرَ وَ طَوَّى فَرَأْشَهُ» از زنان جدا می‌شد و جماع را ترك می‌نمود)<sup>(۳)</sup>.

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، روایت اول.

۲. معنای لغوی.

۳. مجمع البحرین معنای کنائی.

(۱۵)

حدیث دوم: امام صادق علیه‌السلام فرمود: «كَانَتْ بَدْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَمْ يَعْتَكِفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَلَمًا إِنْ كَانَ مِنْ قَابِلٍ اعْتَكَفَ عَشْرِينَ عَشْرَ الْعَامَةِ وَ عَشْرًا قَضَاءَ لِمَافَاتِهِ، وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ كَالَّذِي قَبْلَهُ»<sup>(۱)</sup> جنگ بدر در رمضان واقع شد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتکف نشد. زمانی که سال بعد آمد، بیست روز معتکف شدند، ده روز برای همان سال و ده روز برای قضای سالی که فوت شده بود».

حدیث سوم: ارزش خدمت به مردم و اعتکاف:

میمون بن مهران گفت: من خدمت امام مجتبی علیه‌السلام ننشسته بودم، مردی آمد، برای حضرت گفت، ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فلانی از من اموالی را بستانکار است، می‌خواهد مرا زندان کند، پس حضرت فرمود: بخدا قسم مالی نزد من نیست، تا بدھکاری تو را اداء نمایم، جمله بررسی شود (آن مردم خطاب به امام علیه‌السلام گفت: با او سخن بگو)، امام علیه‌السلام کفش خود را پوشید، گفتم: ای فرزند رسول خدا من فراموش کردم، که شما در حال اعتکاف هستی، امام علیه‌السلام فرمود:

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، روایت دوم.

انسی با این اعتکاف ندارم، بلکه شنیدم که پدرم از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حدیث می‌فرمود: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةَ الْأَلْفِ سَنَةً صَائِمًا نَهَارُهُ، قَائِمًا لَيْلَتُهُ»<sup>(۱)</sup> آیه بررسی شود کسی که در راه برآورده شدن حاجت برادر مسلمان خودش کوشش نماید، گویا نه هزار سال خدا را عبادت کرده است. در حالی که روز هایش را روزه، و شب هایش را به اقامه نماز و احیاء پرداخته است».

ای انسانها، امروز وضع جامعه در تعاون و همکاری، کمک و رسیدگی، همدردی و همدلی محبت و صفا، برادری و برابری، فقر و تنگدستی، مشکلات و راهگشائی چگونه است؟ چه باید کرد؟ داری دردها کجاست؟ مشکل از کجا ناشی می‌شود؟ چرا بی توجهی به ارزش‌های دینی، روح همکاری و تعاون را در جامعه و خانواده، ریشه کن نموده است؟

آیا مردم از اسلام عملی فاصله گرفته‌اند؟ یا عشق به اسلام

۱. وسائل الشیعه ج ۷ ص ۴۰۹.

ضعیف شده است؛ یا مشکلات فردی مانع است، یا گناهان دلها را سخت نموده است و رقت دل و عاطفه و جُدانها مرده است، بی تفاوتی جایگزین شده و امروز بشریت این شده که می‌بینیم اما باید بی‌اندیشیم و فرهنگ غنی اسلام را بشناسیم و توشه‌ائی برای آخرت بگیریم و سیره امامان نور علیهم‌السلام را الگوی عملی خود قرار دهیم، تا به عزت و کمال و رستگاری برسیم. در اینجا امام علیه‌السلام قسم یاد می‌کند پول ندارم، یعنی اگر میداشتم می‌دادم.

از طرفی اعتکاف را رها می‌کند، و احتیاج نیازمند را به فردا محول نمی‌نماید، و به همه انسان‌ها درس برخورد با نیازمندان و تقدم و اولویت عبادت فردی و خدمت اجتماعی و مردمی را در راه خدا بیان می‌نماید، این روش و منش رهبران الهی است، که الگوی تمام نمای کمالات و انسانیت می‌باشند. اما بعضی از مردم بخاطر این که در دلشان عبادت را دوست می‌دارند حاضر به رها نمودن اعتکاف نمی‌شوند. و می‌گویند انشاء الله بعد از اتمام عبادت مشکل شما را حل می‌نمایم. این با معیارهای الهی و وحی و رهبران

الهی مطابقت ندارد، خواسته آنها نمی‌باشد. بلکه او خواسته دل را عمل می‌نمایند. اگر چه با رضایت الهی چندان سازگاری نداشته باشد، لذا اگر در جامعه راه اندازی کار مسلمین دارای ارزش شد روح تعاون و همکاری و خدمت رشد می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ در جهت خوبیها و تقوای الهی همکاری نمائید.

زمان واجب اعتکاف که صورت فوت غذا می‌گردد.

متن حدیث دیده شود «عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم : أَنَّهُ كَانَ إِذَا كَانَ مُقِيمًا إِعْتَكَفَ الْعَشْرَ وَ الْآخِرَ مِنْ رَمَضَانَ وَ إِذَا سَافَرَ إِعْتَكَفَ مِنَ الْعَامِ الْمَقْبِلِ عَشْرِينَ»<sup>(۱)</sup> نقل شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این چنین بود، زمانی که مقیم بود، ده روز آخر رمضان را معتکف می‌شد. و زمانی که دهه آخر رمضان را مسافر بود، سال آینده بیست روز معتکف می‌شد».

اهمیت اعتکاف چقدر در نزد حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بالا بوده، که قضای آن را در سال‌های بعد انجام می‌داده است. این جزء سیره عملی

۱. کنز العمال، خ ۱۸۰۹۱.

نبوی است. خوشا به سعادت انسانهایی که در طریق عقل کُل، خلاصه جوهره نظام وجود، وارث انبیاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم قدم می‌گذارند، و توشه چین خرم نبوی می‌گردند و دنیا و آخرت خویش را به نور این عبادت الهی مزین می‌نمایند.

حدیث پنجم: از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر فرمود: «اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»<sup>(۱)</sup> اعتکاف ده روز در ماه رمضان معادل با دو حج و دو عمره می‌باشد». اعتکاف نزد آل رسول خدا جزء در مساجد نبوده است و افضل اعتکاف در مسجد الحرام در مکه و مسجد نبوی در مدینه و مسجد کوفه و سائر شهرها مسجدی که مردم در آن اجتماع می‌کنند.

بررسی متن‌ها روایه ششم: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در دهه اول ماه رمضان معتکف شدند و سپس در سال دوم در دهه دوم اعتکاف را انجام دادند و در سال سوم و تا آخر عمر همیشه دهه آخر رمضان را معتکف می‌شوند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، روایت ۳.

## (۲۰)

این سیره نبوی در اعتکاف است.

روایه هفتم باب:

امام صادق علیه السلام فرمود: اعتکافی نیست مگر در بیستم ماه رمضان، مراد دهه آخر می‌باشد. یعنی با فضیلتترین و بهتر اعتکاف‌ها آن است، که در دهه آخر رمضان تحقق یابد بویژه اگر ۹ روز آن را شامل گردد.

دسته اول کدام؟

دسته دوم روایات: یازده روایت در وسائل الشیعه بیانگر وجوب روزه در حال اعتکاف از شرائط آن عمل محبوب الهی حساب می‌گردد: «لَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ؛ اعتکاف جزء با روزه محقق نمی‌شود.

دسته سوم روایات: چهارده روایت در باب سوم وسائل جهت مکان اعتکاف بیان شده است. روایاتی که بیانگر اعتکاف در مساجد اربعه می‌باشد. مسجد الحرام در مکه، مسجد النبوی در مدینه، مسجد کوفه در کوفه، مسجد بصره در بصره و مسجد جامع

## (۲۱)

در هر شهر و دیاری می‌باشد. لذا روایت ۱۳ و ۱۴ باب را نقل می‌کنیم تا از مطلب بهره‌مند گردیم.

ابن عقیل نقل کرده که حضرت فرمود: «أَلَا عِتِكَافُ عِنْدَ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي مَسَاجِدِهِ، وَ أَفْضَلُ الْإِعْتِكَافِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرِ الْأَمْصَارِ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَاتِ»<sup>(۱)</sup> اعتکاف نزد آل رسول خدا جزء در مساجد نبوده است و افضل و با فضیلتترین اعتکاف در مسجد الحرام در مکه و مسجد نبوی در مدینه و مسجد کوفه و سائر شهرها مسجدی که مردم اجتماع می‌کنند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «جَوَازُ الْإِعْتِكَافِ فِي كُلِّ مَسْجِدٍ صَلَّى فِي إِمَامٍ عَدَلَ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً وَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي تُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ بِإِمَامٍ وَ حُطْبَةٍ»<sup>(۲)</sup> در هر مسجدی که امام عادل نماز جمعه را به جماعت اقامه کند و در مسجدی که نماز جمعه جایز است». از دو

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، روایت سیزدهم.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، روایت چهاردهم.

## (۲۲)

روایت ذکر شده بالا بهره می‌گیریم. که مسجدی که امام عادل دارد و حقائق در آن‌ها بیان می‌شود و خطبه و نماز جمعه احیاء می‌گردد، امتیاز خاصی بر مساجد دیگر دارد. و این به روشنی نقش امام جماعت را در برتری و فضیلت مساجد بیان می‌کند. و ارزش مسجد الحرام و مساجد نبوی و بصره و کوفه به این می‌باشد، که حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام در اینها اقامه نماز و خطبه را احیاء نموده‌اند. که روایت دوازدهم باب بیانگر این مطلب می‌باشد.

نکته روایت سیزدهم اینکه افضل اعتکاف در مساجد مذکور است، در نتیجه میتوان بیان کرد که در مساجد دیگر اعتکاف با فضیلت کمتر جایز و صحیح است.

دسته چهارم روایات: اعتکاف و حل مشکلات برادران دینی

حل مشکلات برادران دینی و برآورده نمودن حاجات آنها از دو ماه روزه متوالی و اعتکاف آن دو ماه متوالی در مسجد الحرام در پیشگاه حضرت حق محبوبتر است.

(۲۳)

لذا اعمال محبوب عندالله، عمل کننده را در درگاه ربوبی او محبوب می‌نماید. آیا از اعتکاف قصدی جز تقرب و محبوبیت است؟ این فضیلت بهتر جلوه می‌نماید. با حل مشکلات و برآورده نمودن نیاز برادران مسلمان حاصل می‌گردد، لذا خدمت به مؤمنین و رفع حاجت آنها از دو ماه اعتکاف در بهترین مکان که حرم امن الهی و بیت الله الحرام کعبه معظمه است چه سعادت از این بالاتر.

ابوحزمه ثمالی از امام سجاد علیه‌السلام نقل می‌کند حضرت فرمود: «وَ اللَّهُ لِقَضَاءِ حَاجَتِهِ يَعْنِي الْآخِ الْمُؤْمِنِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. أَقُولُ: وَ تَقَدَّمْ مَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ عَمُومًا؛<sup>(۱)</sup> بخدا قسم برآوردن حاجت برادر مؤمن در پیشگاه الهی محبوبتر از دو ماه روزه متوالی در حال اعتکاف در مسجد الحرام میباشد.

از ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام حضرت فرمود: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَأَجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاهَا كَتَبَ اللَّهُ»

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۳، روایت سوم.

(۲۴)

عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ، وَ اعْتِكَافٌ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامُهُمَا؛<sup>(۱)</sup> کسی که در راه حاجت برادر مسلمان کوشش و سعی نماید. سپس خداوند بر دست او حاجت او را برآورده نماید، خداوند برای او ثواب حج و عمره و دو ماه اعتکاف همراه با روزه در مسجد الحرام برای او می‌نویسد.

راستی کرامت الهی تا به کجا؛ ارزش حل مشکلات مردم و جامعه از دیدگاه مقامات عصمت تا چه اندازه مورد تشویق و نظام ارزشی قرار می‌گیرد. که فقط به یاد خود نباش، بلکه دیگران را مورد توجه و عنایت قرار بده.

امام سجاد علیه‌السلام قسم بذات کبریائی می‌خورد. که درد دردمندان را دوا نمودن چقدر ارزش دنیائی و آخرتی دارد. از طرف دیگر امام می‌فرماید. که خداوند بدست شما این حاجت را برآورده نماید، راستی چقدر باید لیاقت برای انسان حاصل شود، که خداوند او را سبب وسیله؛ کسی که در جهت نیاز برادران مسلمانش گرشش

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۳، روایت اول.

(۲۵)

نماید و او را وسیله قرب و حب خویش قرار داده، و او را به کمالات انسانی نائل گرداند.

دسته پنجم روایات: ترك لذت‌ها و زیبایی‌های دنیا

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْتُمُ الطَّيِّبَ وَ لَا يَتَلَذُّ بِالرِّيحَانِ وَ لَا يُمَارِي وَ لَا يَشْتَرِي وَ لَا يَبِيعُ الْحَدِيثَ؛<sup>(۱)</sup> انسان زمانیکه معتکف می‌شود سزاوار است، شرائط در حال احرام حج و عمره را مراعات کند. یعنی خودش را چون محرم مشروط کند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «وَ اسْتَرْطُ عَلَى رَبِّكَ فِي اعْتِكَافِكَ كَمَا تَشْتَرُطُ فِي احْرَامِكَ أَنْ يَحْلُكَ مِنْ اعْتِكَافِكَ عِنْدَ عَارِضٍ إِنْ عَرَضَ لَكَ مِنْ عِلَّةٍ تَنْزِلُ بِكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى؛<sup>(۲)</sup> خویشتن را بر پروردگارت در حال اعتکاف هم چنان که در حال احرام (حج و عمره) خود را مشروط می‌نمائی.»

راستی اعتکاف چه ارزش زیبایی است، که انسان حلالهائی را بر خود حرام می‌کند و به عشق عاشقی با معشوق واقعی خود و

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۱، روایت اول.

۲. وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۱، روایت دوم.

(۲۶)

دلباختگی با آن مولای بی همتا، محدودیت‌هایی علیه خود ایجاد و با جهادی اکبر، از ادبهای مشروع را هم از خود سلب می‌نماید. تا در سرای عشق بازی، خود را به فنای حق برساند. بوی خوش را حرام و ارتباط با همسر را ترک، راه رفتن عادی و نشستن و راه رفتن در سایه را ترک، ماندن در خان محبوب خویش را لازم و کف نفس که روزه داری است بر خود واجب و قیام و صیام را بر عقل و روح و نفس خویش تکلیف می‌نماید. تا بتواند، در آستان حضرت رب العالمین به جایی برسد و از عالم ماده و ناسوت قدمی بالاتر زند و به عالم ملکوت و جبروت نائل آید و طعم ذکر الهی را بچشد «الهی اذقنی حلاوة ذکرک؛ خدایا شیرینی یادت را به حس چشائی من به چشان.

(۲۷)

فصل چهارم: خاطراتی از معتکفین

گزارشی از اعتکاف مسجد جمعه شهرستان قم در سال ۱۳۸۰ شمسی در روز سوم اعتکاف وارد مسجد مذکور شده، جوانان و میانسالان و پیران از همه اقشار را زیارت و ملاقات نمودم، هر کسی حال و هوای خویش در این بزم روحانی داشت، یکی در گوشه مسجد در حال سجود، دیگری در رکوع عرفانی و سومی در حال نیایش عاشقانه با معشوق و محبوب و معبود خویش بود، یکی نجوای دل را با خالق هستی بوسیله اشک جاری بر گونه‌هایش تحقق می‌بخشید و دیگری زمزمه ماه رجب را در قالب صوت زیبا و

(۲۸)

دل نشین قرآنی تحقق می‌نمود. آیه‌های آن را سربریده حضرت حسین بن علی علیه‌السلام تلاوت می‌نمود. زیرا در تلاوت قرآن، معشوق با عاشق سخن می‌گوید

سرش برنی، نوای عشق سر دارد

چون از جان پیش پای عشق، سردارد

دیگری برای استحمام و غسل استحبابی یا تجدید وضو، دستمال بسیجی را بر دوش انداخته بود. و حال و هوای خویش را داشت، گروهی در خودسازی و بازسازی نفس که جهاد اکبر است، در حال حساب رسی خویشتن بودند، در اینجا با یکی از روحانیون عزیزی که سال هفتم اعتکافش بود و بهره‌های معنوی بسیاری از این ضیافت الهی برده بود. مصاحبه‌ائی شده که تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

سلام علیکم: آن چه از اعتکاف خاطره دارید برای ما بیان نمایید. و در صورت تمایل خودتان را معرفی نمایید بسیار مایع خوشبختی است، که سنت دیرینه اعتکاف فرا گیر شده و بسیاری از

(۲۹)

جوانها و نوجوانها را به مساجد و خانه خدا کشانده، تا سه روز به بازبینی و بازبایی نفس بپردازند. من هم امسال توفیق یافتم که با ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان شاهد به مسجد جامع بی‌ایم. خوب قضیه اعتکاف يك فرصتی است، که انسان بدون هیاهو و دور از زن و بچه و زندگی و علائق دنیوی برای بازبایی خویش بی اندیشد. اعتکاف بازبینی خوبی است، که در این مدت تأثیرات روحی و روانی روی جان انسان می‌گذارد. و به خود خطاب می‌کند، تو ای انسان که در قبری به وسعت يك متر و نیم جای می‌گیری والان هم در اعتکاف با کمترین مکان و امکانات زندگی می‌نمائی، این همه تلاش و فعالیت و وابستگی و تجملات برای چه؟

یکی از مواردی که عجیبی که در ذهن بنده هست، در هر سال، از زمانی که حیات مسجد پر از برف بود و الان که معتکفین در حیاط می‌خوانند و هوا گرم است، وقتی برای نماز بلند می‌شوم، يك بوی معنوی در شبستانهایی که شاید ۵۰۰ نفر مشغول استراحتند، احساس می‌نمایم که و این همان رائحه معنوی و عرفانی و بهشتی

(۳۰)

است، که در هوای خانه الهی محسوس است، انسان ناخودآگاه احساس می‌کند، که يك فضای بسیار معنوی در میان معتکفین در مسجد حاکم است. در حالی که تعداد زیادی در خواب و استراحت بوده‌اند، باید بوی نامطبوعی احساس می‌شد، ناخودآگاه انسان به این فکر می‌افتد، که خانه خدا پذیرای انسانها است، که در حالت خواب هم پاك و معطر می‌باشند و این یکی از علائم معنوی اعتکاف است. اما یکی از خاطرات دیگر ایام شهادت حضرت زینب کبری است، که هیچ عزاداری به مثل عزاداری دیشب برای عزیزان نبود، که با دو



روز روزه گرفتن، شب را به گونه‌ایی عزاداری حضرت زینب علیهاالسلام مشغول شدند، که واقعا دیدنی و ذکر مصائب آن حضرت شنیدنی بود. به طوری که شاید ساعتی سر پا ایستاده و از سوز دل عزاداری می‌کردند، دیشب وقتی که مداح اهل بیت مرثیه‌خوانی می‌نمود من ناخودآگاه متوجه عزیزان شدم، اشک از گوشه چشمانشان سرازیر است. اینها قطعا خودشان را و مملکت و عقیده و اعتقادشان را بیمه می‌کنند و سلامتی رهبری را می‌خواهند

(۳۱)

و انشاء الله هم همین طور بوده است.

خاطره دوم:

مصاحبه با یکی از دانشجویان معتکف در مسجد جمعه قم، او با تمام معنویتی که در چهره‌اش دیده می‌شدو جایی برای اعتکاف نیافته بود و درب‌ها را به روی خود بسته یافته اما سرانجام دعوتنامه معشوق برای ورود به بیت الهی به دست او می‌رسد، در اینجا گویا همه خواسته خویش را دریافت می‌نماید. که از طرف صاحب بیت دعوت شده تا در مهمانی الهی شرکت کند و به نجوای دل در قالب زمزمه عاشقانه نیمه شب در حال قیام و رکوع و سجده و روزه تحقق بخشد و روح و جان خویش را از سفره آسمانی بهره‌مند گرداند. او اظهار داشت: من دانشجوی سال دوم رشته زبان در دانشگاه قم برای اعتکاف به مسجد جمعه قم مراجعه کردم گفتند: ثبت‌نام تمام شده، جایی جهت اعتکاف شما نیست، خیلی دوست داشتم، لذا اصرار کردم، گفتند شب آخر ساعت دوازده به بعد بیایید، اگر جا باشد، به شما واگذار می‌نماییم. منتظر بودم، لذا درب

(۳۲)

مغازه نزدیک مسجد ایستادم تا اینکه خادم مسجد صدا زد، فلانی بیا، چند برگه پذیرش زیاد آمده است، دوستم گرفتم، این عنایت خدایی و پذیرش او بود، که اعتکاف نصیب ما گشت، با شوق و اشتیاق وصف ناپذیری آماده گشتم.

هفته اول درسهام بود، يك سري از رفقا گفتند: اعتکاف نرو درس واجب‌تر است، عقب می‌افتی در این هفته چند کلاس هم داشتیم گفتیم انشاء الله از درس عقب نمی‌افتیم. و شرکت در این اعتکاف واجب‌تر است و انشاء الله خداوند قبول کند. بله هر چه سالهای اعتکاف بیشتر می‌شود، انسان حال بیشتری پیدا می‌کند. حال ما امسال از جهت معنوی بهتر از سال قبل بود. آری آن عزیز دانشجو که درس و بحث را کنار گذارد. تا درس را در اعتکاف جهت و رنگی الهی دهد و خود را در محضر خدا پرورش داده تا لایق آموزش الهی شود. بسیار به جا و نیکوست. بله او در انتظار رسیدن به عشق بازی در مسلخ عاشقان بود و به خواسته خویش رسید و ذخیره معنوی را برای روز فقر و بیچارگی کسب نمود.

(۳۳)

خداوندا! همه مردم، علماء و طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان، جوانان و فرزندان ما را در جهت رشد و بالندگی معنوی و اعتکاف و عمره و حج، زیارت و شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام در دنیا و آخرت موفق فرما.

(۳۴)

فصل پنجم: احکام اعتکاف و معتکف

۱. معتکف باید عاقل باشد، پس از دیوانه در حال جنون و از مست در حال فقدان عقل اعتکاف صحیح نیست.
۲. نیت: قصد قربت و اخلاص کافی است و نیازی به بیان استحباب و وجوب نمی‌باشد. نیت را از اذان صبح آغاز کند و تأخیر آن جایز نیست.
۳. زمان شروع اعتکاف از اول اذان صبح و اگر شب اول را داخل در اعتکاف نماید بهتر است و از همان زمان نیت را آغاز نماید.

(۳۵)

۴. روزه گرفتن از شرائط صحت اعتکاف میباشد.

۵. روزه اگر از اعتکاف باشد، یا روزه واجب، مثل رمضان و قضای آن و نذری و استحبابی هم باشد. اشکالی ندارد و اعتکاف صحیح است. اعتکاف در ایام معینی که روزه نذری یا واجب دیگر برگردن انسان است، بلا اشکال میباشد.

۶. تحقق اعتکاف به کمتر از سه روز نمی‌باشد، اگر چه بهتر این است، که شب اول هم داخل در اعتکاف باشد. و بعد از اتمام دو روز، روزه روز سوم واجب می‌شود.

۷. هر روز اعتکاف از اذان صبح تا مغرب شرعی می‌باشد. و اگر ۵ روز معتکف شد روز ششم واجب می‌شود و همچنین اعتکاف تا روز هشتم موجب و جوب روز نهم می‌گردد. شب اول و شب چهارم داخل در شرائط اعتکاف نمی‌باشد. تحقق اعتکاف از وسط روز اول تا وسط روز چهارم محل تأمل و اشکال است.

۸. اعتکاف باید در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه

(۳۶)

---

و بصره و مسجد جامع<sup>(۱)</sup> انجام شود.  
۹. مواردی که اذن در اعتکاف لازم است؛

الف. اذن زوج نسبت به زوجه زمانی که منافعی با حق زوج باشد ولیکن احتیاط مطلق اذن است، چه با حق همسر مزاحمت داشته باشد یا نداشته باشد.

ب. اذن مستأجر نسبت به اجیرش.

د. اذن پدر و مادر نسبت به فرزند اگر اعتکاف موجب اذیت آن‌ها شود.

۱۰. ادامه توقف در مسجد از شرائط تحقق اعتکاف است، لذا حق خروج عمدی و اختیاری برای غیر کارهای ضروری عادی (قضاء و حاجت) و عقلی (حوادث) و شرعی (غسل کردن) ندارد.

۱۱. اعتکاف از بچه ممیز جایز است.

۱۲. بازگشت از نیت در اعتکاف مطلقاً جایز نیست. برگرداندن

---

۱. مسجد جامع: مسجدی است که مردم شهر در آن اجتماع می‌نمایند و اختصاص به محل و طایفه خاصی ندارد. و در روایات قبلاً بیان شد.

(۳۷)

---

نیت از خودش به نیابت دیگری و از نیابت دیگر به خودش و از وجوب به استحباب و بالعکس جایز نیست.

۱۳. قطع اعتکاف قبل از اتمام روز دوم جایز است.

۱۴. قطع اعتکاف نذری معین و خاص جایز نیست.

۱۵. سه روز و دو شب وسط در اعتکاف باید متصل باشد، در غیر این صورت این عمل صحیح نیست، پس از شرایط اعتکاف مولات زمان است.

۱۶. اعتکاف نذری کمتر از سه روز و دو شب منعقد نمی‌شود.

۱۷. انسان می‌تواند در نذر خود شرط کند اگر هر عوارضی پیش آمد، از اعتکاف بازگردد و قضاء و کفاره و گناهی هم ندارد و بدون عارضه‌ای بهم زدن اعتکاف محل منع است.

۱۸. باید سه روز و دو شب اعتکاف در يك مسجد واقع شود و در دو مسجد جایز نیست و در صورت عذر ماندن و ترس و اضطراب اعتکاف باطل است.

۱۹. مواردی که خارج شدن برای معتکف از باب ضرورت مباح

(۳۸)

است.

الف. شهادت دادن

ب. عیادت از مریض، و تشییع جنازه و بدرقه نمودن مسافر و استقبال کردن از افرادی که وابستگی عرفی و قومی به انسان دارند.

د. معتکف می‌تواند، برای کارهای واجب و لازم عقلی و شرعی و عرفی، دنیوی یا اخروی خارج شود. و یا جهت اموری که برتری عقلی و شرعی و عرفی دارد.

۲۰. در خارج مسجد در صورت امکان باید زیر سایه ننشیند. احتیاط مستحب آن است، که مطلق نشستن را ترك کند، مگر در صورت ضرورت، احتیاط مستحب این که زیر سایه راه نرود.

۲۱. از مسجد خارج شدن برای نماز جماعت در غیر مکه اشکال دارد.

۲۲. بر جنب واجب است، جهت غسل از مسجد خارج شود و در صورت ترك و خارج شدن و غسل نمودن اعتکاف از جهت حرمت ماندن جنب در مسجد باطل می‌گردد.

(۳۹)

۲۳. خروج طولانی در مورد ضرورت‌ها اگر صورت اعتکاف را محو کند، اعتکاف باطل می‌شود.

تذکر مبطلات و محرمات اعتکاف جداگانه بیان شده زیرا همه محرمات باطل کننده اعتکاف نیستند.

بخش دوم: محرمات اعتکاف

در طول اعتکاف، موارد زیر بر معتکف حرام است.

۲۴. مباشرت با زنان؛ جماع و بوسیدن و لمس شهوانی، بلکه هر عملی که از روی غریزه جنسی بهرگونه باشد حرام است.

۲۵. خارج شدن از مسجد از روی عمد و اختیار، بدون عذر و ضرورت.

۲۶. استمناء.

۲۷. استنشام بوی خوش.

۲۸. خرید و فروش.

۲۹. جدال و بحث در اموری دینی و دنیائی زمانی که برای پیروزی غلبه و برتری و کسب فضیلت در مقابل دیگری باشد. پس

(۴۰)

اگر برای بیان حق و اثبات واقع و روشن نمودن خطا باشد، اشکالی ندارد.

۳۰. احتیاط مستحب آن است، که معتکف از کل محرمات احرام اجتناب کند، اگر چه اقوی خلاف احتیاط است.

۳۱. افطار کردن روزه حرام لذا افطار کردن در شب اشکال ندارد.

۳۲. تمام مبطلات روزه بر معتکف حرام و موجب بطلان اعتکاف می‌شود.

بخش سوم: مبطلات اعتکاف

۳۳. خروج عمدی و اختیاری برای غیر علت‌های مباح (مثل تجدید طهارت) و اگر چه جاهل به حکم هم باشد، موجب بطلان اعتکاف می‌گردد.

۳۴. مباشرة با زنان، جماع، بوسیدن و لمس شهوانی و بالعکس زنان با مردان در شب یا روز و موجب بطلان اعتکاف می‌گردد.

۳۵. بطلان روزه موجب بطلان اعتکاف می‌شود. لذا تمام

#### (۴۱)

مبطلات روزه در این جا می‌آید.<sup>(۱)</sup>

۳۶. در صورت بطلان اعتکاف در روز سوم اگر معین بوده قضاء کند. اگر واجب معین نبوده از اول شروع کند.

۳۷. قضای اعتکاف مستحبی اگر بعد از اتمام دو روز بوده، واجب است. اما بطلان قبل از اتمام دو روز تکلیفی ندارد.

۳۸. اگر در اعتکاف شرط رجوع کرده<sup>(۲)</sup> و طبق شرط عارضی پیش آمد و از اعتکاف برگشت اگرچه در روز سوم هم باشد، قضاء و شروع از اول لازم نیست.

بخش چهارم: کفارات در اعتکاف

۳۹. باطل کردن اعتکاف بوسیله جماع در روز ماه رمضان دو کفاره دارد و در شب يك کفاره و هم چنین است، در افطار کردن قضای روزه ماه رمضان بعد از اذان ظهر يك کفاره دارد.

۴۰. اگر مرد زن را در روزهای رمضان در حال اعتکاف وادار به

۱. مبطلات روزه در پاورقی بیاید از روی رساله امام خمینی.

۲. در نیت اعتکاف شرط کرده اگر فلان کار پیش آمد، از اعتکاف خارج می‌شوم.

#### (۴۲)

آمیزش کرد، مرد باید سه کفاره بدهد و کفاره چهارم برای شکستن اعتکاف زن بنا بر اقوی.

۴۱. اگر زن و مرد جماع را در روز اعتکاف اختیار نمودند، هر يك دو کفاره و اگر در شب‌های اعتکاف باشد بر هر نفر يك کفاره واجب است.

۴۲. جماع در اعتکاف استحبابی اگر بودن دست برداشتن از اعتکاف باشد احتیاط واجب در کفاره است.

۴۳. در صورت دست برداشتن از اعتکاف کفاره ندارد، مثل سایر محرمات عمدی اعتکاف که کفاره ندارد.

۴۴. کفاره اعتکاف مثل کفاره ماه رمضان است، اگرچه احتیاط در رعایت ترتیب کفاره است، شصت روز، روزه اگر نتوانست شصت مسکین طعام دهد و یا يك بنده آزاد نماید.

#### (۴۳)

فصل پنجم: اعمال ایام بیض ماه رجب (ام داوود)

اعتکاف اعمال «خاصی ندارد، مگر همان توقف در مسجد جهت عبادت و روزه گرفتن برای تقرب به محضر الهی و اعمال ام داوود ربطی به اعتکاف ندارد. اما از آن جا که در ایران اسلامی اعتکاف در ماه رجب شهرت خاصی به خود گرفته است. این اعمال در ایام اعتکاف ماه رجب انجام می‌گردد، از آن بهترین فیض و بهره را می‌برند.

اعمال مفصلی را مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان نقل فرموده: لذا جمع بین اعتکاف و اعمال ام داوود در روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماه رجب فضیلتی دو برابر است. باید توجه داشته باشیم، کسانی که معتکف نمی‌شوند، می‌توانند اعمال ام داوود را انجام دهند. و فضیلت عبادی این ایام بسیار شریف را بدون فضائل اعتکاف درک نموده و بهره‌مند از معنویات آن شوند. اعمال خاص شب نیمه رجب و روز آن در مفاتیح بیان شده که آن‌ها هم ربطی به اعتکاف و اعمال ام داوود ندارد.

فصل ششم: اعمال امّ داوود به شرح زیر است:

۴۵. روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ رجب را روزه گرفتن.

۴۶. اول ظهر غسل کند، سپس در جای خلوتی که او را مشغول نکند و کسی با سخن نگوید، چون ظهر شد، نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجده زیبا به جای آورد. و سپس رو به قبله بنشیند و اعمال زیر را انجام دهد:

۴۷. سوره حمد و اخلاص را هر یک ۱۰۰ مرتبه.

۴۸. آیه الکرسی ۱۰ مرتبه.

۴۹. سوره‌های انعام، بنی اسرائیل، کهف، لقمان، تا آخر قرآن تلاوت نماید.

۵۰. دعاهای نقل شده در مفاتیح را بخواند.

دعا مجموعه‌ای از معارف حق در مضامین بسیار پر محتوا و جالب، توحید و اسماء و صفات حسناى الهی، شخصیت جبرئیل امین و کمالات و عظمت آن ملک مقرب الهی، مناجات‌های زیبا فرازهایی از حمد و ثنای الهی، و صلوات و درود خدا بر انبیائش خاصه خاتم آنها و اهلبیت او و ملائکه الله و شهداء و بندگان محبوب الهی و طلب شفاعت حاجت مطرح گردیده است.

فصل هفتم: متن مناجات

«۱» صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ

«۲» شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

«۳» لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَّغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامُ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

«۴» اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ وَ لَكَ الْفَخْرُ وَ لَكَ الْقَهْرُ

«۱» خدای بزرگ راست گفت آن خدائی که جز او نیست و زنده و جاوید، صاحب بزرگی و کرامت و رحمت برای عموم در دنیا و برای خاصان در آخرت، آن معبودی که بردبار و صبور و بزرگوار است آن خدائی که چیزی مثل او نیست، و او شنونده و دانا و بینای به همه امور و آگاه به همه اعمال است.

«۲» خداوند و ملائکه و صاحبان اندیشه همه شهادت بر توحید می‌دهند (که شاهر بر یکتایی و یگانی او هستند). که این شهادت از روی قیام به عدالت است.

«۳» خدائی جزء او نیست که عزیز و قدرتمند و حکیم و اهل حکمت است. و رسولان اهل کرامتش [توحید و رسالت الهی و آن چه به آنها وحی شده بود] ابلاغ نمودند و من هم از شهداین بر ابلاغ رسولان هستم.

فرازی که اوصاف کمالیه را منحصر در ذات اقدس او می‌نماید.

«۴» خدایا! حمد و ثنا منحصر به توست و مجد و بزرگی و عزت و قدرت زیننده قامت رعناى توست.

«۵» وَ لَكَ النِّعْمَةُ وَ لَكَ الْعِظَمَةُ وَ لَكَ الرَّحْمَةُ  
«۶» وَ لَكَ الْمَهَابَةُ وَ لَكَ السُّلْطَانُ وَ لَكَ الْبِهَاءُ  
«۷» وَ لَكَ الْأَمْتِنَانُ وَ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ لَكَ التَّقْدِيسُ وَ لَكَ التَّهْلِيلُ وَ لَكَ التَّكْبِيرُ  
«۸» وَ لَكَ مَا يُرَى وَ لَكَ مَا لَا يُرَى  
«۹» وَ لَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ لَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى  
«۱۰» وَ لَكَ الْأَخِرَةُ وَ الْأُولَى وَ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ التَّنَائِي وَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ وَ النَّعْمَاءِ

«۵» بارالها! نعمت و بزرگی و افتخار و رحمت بیکران برای توست.  
«۶» معبودا! بزرگی و شکوه ارزش و، حکومت و [وجود نازنین] توست، منت نهادن و نعمت دادن از منحصر به (جمال جمیل) توست.  
«۷» بارالها! به پاکی و طهارت یاد کردن و پاکی ستودن و یکی دانستن [لا اله الا الله] و بزرگ شمردن و به بزرگی یاد کردن فقط برای [وجود رعنا] توست.  
«۸» آن چه دیده می‌شود و آن چه دیده نمی‌شود برای توست.  
«۹» آن چه در عالم بالا و آسمان‌های هفت گانه مشهود و محسوس و معقول است. تحت مالکیت مطلقه توست. و آن چه در زیر خاک‌ها و در عمق طبقات زمین است برای توست.  
«۱۰» دنیا و آخرت برای توست [حاکم و مالک هر دو سرا تویی] و آن چه تو به آن راضی هستی، از مدح و ستایش و شکر و نعمت منحصر برای [ذات کبریائی] توست.

«۱۱» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ الْقَوِيَّ عَلَى أَمْرِكَ وَ الْمُطَاعَ فِي سَمَوَاتِكَ وَ مُحَالَ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمَّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَنْبِيَاءِكَ الْمُدْمِرِ لِأَعْدَانِكَ  
«۱۲» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلِكِ رَحْمَتِكَ وَ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الْمُسْتَعْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ  
«۱۳» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ الصُّورِ الْمُتَنْظِرِ لِأَمْرِكَ الْوَجَلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيْفَتِكَ

«۱۱» خدایا! بر جبرئیل که امین بر بر وحی تو است و بر اجراء دستوراتت قدرتمند و در آسمان‌هایت مورد اطاعت و محل ورود کرامات توست و در برگیرنده تمام دانش‌های تو و یاری کننده انبیائت و نابود کننده دشمنان توست، درود بفرست.  
«۱۲» خدایا! بر میکائیل فرشته رحمت [بیکرانت] و آفریده شده برای مهربانیت و استغفار کنندایی که یاری دهنده برای اهل طاعت توست، درود بفرست. [تا محبت او عنایات و توجه تو را به بندگانت اعلان نماید.]

«۱۳» خداوندا! بر اسرافیل که حمل کننده عرش توست و صاحب شیپور که منتظر اجرای دستور توست، ترسناک و نگران از ترس توست، درود بفرست.

(۵۱)

«۱۴» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ وَ خَزَنَةِ النَّيْرَانِ وَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ الْأَعْوَانِ يَا دَ الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

«۱۵» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُنْبِيَا آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ

«۱۶» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ<sup>(۱)</sup> الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ<sup>(۲)</sup> الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِ الْفُؤْسِ

۱. رجس اعمال زشت و وسوسه‌های شیطانی، نجس و قدر. مجمع البحرين.

۲. ناپاکی مذهب و فعل، چرك آلوده شد.

(۵۲)

«۱۴» بارالها! بر حاملان عرش که پاکانند و بر سفیران با کرامت که خوبان پاکیزه‌اند و بر ملائکه‌ها که نویسندگان بزرگوارند و بر فرشته‌گان بهشت و بر مأموران جهنم و بر فرشته مرگ و یاران او [که مأمور قبض روح انسانها هستند]. ای خدائی که صاحب بزرگی و کرامت هستی، بر همه آنها صلوات و درود بفرست.

«۱۵» خدایا! بر پدر ما حضرت آدم که پدید آمده آفرینش توست، که او را به وسیله سجده‌های فرشته‌گان گرامی داشتی و بهشت خویش را برای او مباح نمودی، درود بفرست.

«۱۶» خداوندا! بر مادر ما حواء که پاکیزه از وسوسه‌های شیطانی و نجس و آلودگی‌های چرکین (شاید ایام عادت) می‌باشد و برتری داده شده از میان انسانها است و آمد و رفت کننده بین قدسیان می‌باشد، درود بفرست.

(۵۳)

«۱۷» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحَ وَ هُودَ وَ صَالِحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ لُوطَ وَ شَعِيبَ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوْشَعَ وَ مِيشَا وَ الْخَضِرَ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ الْيَاسَ وَ الْبَيْسَ وَ ذِي الْكُفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شَعْبِيَّ وَ يَحْيَى وَ نُورُوحَ وَ مَتَّى وَ إِرْمِيَا وَ حَيْفُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزْرِيَّ وَ عِيسَى وَ شَمْعُونَ وَ جَرَجِيْسَ وَ الْحَوَارِيْنَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ خَالِدَ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ

(۵۴)

«۱۷» بارالها! بر هابیل و شیب و ادريس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی قرنین و یونس و الیاس و البیس و ذی الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعبا و یحیی و نورخ و متی و ارمیاو حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریون و اتباع و خالد و حنظه و لقمان علیهم السلام درود بفرست.

(۵۵)

«۱۸» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

«۱۹» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ أَيْمَةَ الْهُدَى

«۲۰» اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبْدَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ السِّيَاحِ وَ الْعُبَادِ وَ الْمُخْلِصِينَ وَ الزُّهَادِ وَ أَهْلِ الْجِدِّ وَ الْإِحْتِهَادِ

(۵۶)

«۱۸» بارالها! بر محمد و آل او درود بفرست و بر محمد و اهل بیتش رحم کن. و بر محمد و آل او برکت هم چنان که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی و برکت دادی، به درستی که تو ستایش شده و بزرگ هستی.

«۱۹» خدایا! بر جانشینان پیامبران و سعادتمندان محضرت و شهداء راهت و امامان هدایت گر، درود بفرست.

«۲۰» خدایا! بر اولیاء و صالحین و بزرگان کسانی که جهت عبادت در زمین گردش می‌نمایند و بر کسانی که بسیار عبادت کننده‌اند و بر افراد خالص شده و بی رغبت به جلوه‌های دنیای فانی و بر اهل سعی و کوشش درود

(۵۷)

بفرست.<sup>(۱)</sup>

۱. بله، این درودها و فضیلت‌ها در صورتی است که کارها برای خدا باشد.

(۵۸)

«۲۱» وَ أَحْصُنْ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ أَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ

«۲۲» وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جِسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْهُ فَضْلًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ

«۲۳» اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَ مَنْ لَمْ أَسْمَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

«۲۴» وَ أَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَ إِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ اجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ

(۵۹)

«۲۱» خدایا! بهترین درودهایت را به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیتش علیهم‌السلام اختصاص بده و کراماتت را به آنها ببخش.

«۲۲» خدا! از جانب من به روح پیامبر و جسمش تحیت و سلام را ابلاغ کن و آن درود و سلام را از جهت برتری و بزرگی و کرامت به گونه ای زیاد نما، کن تا پیامبر را به بالاترین درجات اهل شرافت در میان انبیاء و رسولان برسانی.

«۲۳» خدایا! بر کسانی که از ملائکه و انبیائت و رسولانت و اهل اطاعتت نام بردم و نبردم، درود بفرست.

«۲۴» خدایا! و درود مرا بر آنها و ارواح آنها برسان و آنها را برادران من در [راه و هدف و دین و محضرت] خودت قرار بده و

(۶۰)

کمک کارانم در خواندنت و دعایت قرار بده.



«۲۵» اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ اَسْئَلُكَ وَ بِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ اِلَى رَحْمَتِكَ وَ بِاَهْلِ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ وَ

«۲۶» اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيْفَةٍ غَيْرَ مَرْدُوْدَةٍ وَ بِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرَ مُخَيَّبَةٍ

«۲۷» يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ يَا حَلِيْمُ يَا كَرِيْمُ يَا عَظِيْمُ يَا جَلِيْلُ يَا مَنِيْلُ يَا جَمِيْلُ

«۲۵» بارالها! به درستی که من به وسیله خودت برای رسیدن به محضرت طلب شفاعت می‌نمایم. و بوسیله کرامتت برای رسیدن به بزرگواری طلب شفاعت می‌کنم، و بوسیله بخششست برای رسیدن به سخاوتت و بوسیله رحمت برای رسیدن مهربانی و بخشندگی و بوسیله کسانی که تو را اطاعت می‌کنند، به محضر تو می‌روسم.

«۲۶» خدایا! قسم به همه آن چه انبیاء بوسیله آن از تو درخواست شریفی نمودند که رد نشد و به آنچه تو را خوانند و دعایشان مستجاب شده و بی جواب نمانده از تو می‌خواهم.

«۲۶» ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای بردبار، ای بزرگواری، ای بزرگ، ای عطا کننده، ای زیبا.

«۲۸» يَا كَفِيْلُ يَا وَكِيْلُ يَا مَقِيْلُ يَا مَجِيْرُ يَا خَبِيْرُ يَا مُنِيْرُ يَا مُبِيْرُ يَا مُنِيْعُ يَا مُدِيْلُ

«۲۹» يَا مُحِيْلُ يَا كَبِيْرُ يَا قَدِيْرُ يَا بَصِيْرُ يَا شَكُوْرُ يَا بَرُّ يَا طَهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ

«۳۰» يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاطِرُ يَا مُحِيْطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيْظُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيْبُ يَا وَدُوْدُ

«۳۱» يَا حَمِيْدُ يَا مَجِيْدُ يَا مُبْدِيْ يَا مُعِيْدُ يَا شَهِِيْدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

«۲۸» ای ضمانت کننده روزی، ای دفاع کننده از حقوق بندگان، ای گذشت کننده آگاه، ای درخشنده، ای هلاک کننده ای قدرت و حکومت دهنده به مظلومین، ای کسی که از دوستانش و آن‌ها را یاری و مستحقین من را منع می‌نماید، (منع او حکم اوست و عطایش جود و رحمت است)، ای قدرت و حکومت دهنده به مظلومین، ای حافظ، (ای قدرتمند).

«۲۹» ای اداره کننده جهان هستی، ای بزرگ، ای قدرتمند، ای دقت کننده، ای تشکر کننده، ای خوب و نیکو، ای پاک، ای پاک کننده، ای قدرتمند پیروزمند.

«۳۰» ای آشکار، ای پنهان، ای پوشاننده، ای مسلط بر همه وجود، ای قدرتمند، ای حفاظت کننده، ای جبران کننده، ای نزدیک،

ای دوست ای پسندیده در وجود. ای بزرگ.

«۳۱» ای آغاز کننده خلقت، ای گواه، ای احسان کننده، ای نیکی کنده، ای نعمت دهنده، ای فضیلت دهنده و چندین برابر عطا کننده.

«۳۲» يَا قَاطِبُضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِيْ يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِيْ يَا مُنْعِيْ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ

«۳۳» یا باقی یا واقی یا خَلَقُ یا وَهَابُ یا تَوَّابُ یا فَتَّاحُ یا نَفَّاحُ یا مُرْتاحُ

«۳۴» یا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ یا نَفَّاعُ یا رَوْفُ یا عَطُوفُ یا كَافِيُ یا شَافِيُ یا مُعَافِيُ یا مُكَافِيُ

(۶۷)

۳۲. ای تنگ گیرنده روزی، ای گشایش گر، ای هدایتگر، ای فرستنده انبیاء، ای ارشاد کننده، ای درست عمل کننده (محکم کننده تقوی) ای هدیه دهنده، ای منع کننده (قبل از آمدن بلاها) ای دفع کننده بلاها ای برطرف کننده (آمده برمی گرداند).

۳۳. ای ابدی، ای نگه دارنده، ای آفریننده، بخشنده بدون عوض، ای توبه پذیر، ای گشاینده (ای پیروزمند)، ای بخشنده، ای نجات بخش

۳۴. ای کسی که تمام کلیدهای درب‌های بسته) بدست اوست، ای سود دهنده، ای کسی که رحمتش شدید است، ای مهربان ای کفایت کننده، ای شفا دهنده، ای سلامتی دهنده، ای پاداش دهنده.

(۶۸)

«۳۵» یا وَفِيُّ یا مُهَيِّمُنُ یا عَزِيزُ یا جَبَّارُ یا مُتَكَبِّرُ یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا أَحَدُ یا صَمَدُ

«۳۶» یا نُورُ یا مُدَبِّرُ یا قَرْدُ یا وَثَرُ یا قُدُوسُ یا نَاصِرُ یا مُؤنِسُ یا باعِثُ یا وارِثُ یا عَالِمُ یا حاکِمُ

«۳۷» یا بادی یا مُتَعَالِيُ یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَجَبِّبُ یا قَائِمُ یا دَائِمُ یا عَلِيمُ

«۳۸» یا حَكِيمُ یا جَوادُ یا باریُّ یا بَارُ یا سارُّ یا عَدْلُ یا فَاصِلُ یا دَيانُ یا حَنانُ یا مَنانُ

(۶۹)

۳۵. ای وفا کننده (به وعده‌ها) ای نگهبان، ای قدرتمند، ای کسی آفریده‌ها را مجبور در امور خود می‌نماید، و اختیاری ندارند، (راه فراری از حکومت او ندارند). ای کسی که لباس بزرگی برای اوست. ای کسی که از همه نقص‌ها و عیب سالم و پاک است. ای امان دهنده از عذاب ای یگانه در وجود، ای بی نیاز از غیر.

۳۶. ای ظاهر ذاتی (ای روشنایی وجود)، ای اداره کننده هستی، ای یکتا، ای تنها ای منزله از همه عیب‌ها، ای یاور مؤمنین ای همنشین بی کسان، ای برانگیزنده.

۳۷. ای حکم کننده، ای اول وجود (ازلی) ای برتر از همه‌ای نقاش نظام وجود، ای سلامت دهنده، ای دوست داشتنی، ای پایدار،

(۷۰)

ای همیشگی، ای بسیار آگاه و دانا.

۳۸. ای کسیکه همه امورش از روی دقت محقق می‌گردد، ای بخششگر، ای آفریننده، ای خوبی کننده، ای ناپیدا، جز عدالت از او صادر نمی‌شود. ای کسی که غیر از عدالت از او صادر نمی‌گردد، ای جدا کننده حق و باطل. ای عطا کننده، ای بسیار بخشنده، ای نعمت دهنده.

(۷۱)

«۳۹» یا سَمِيعُ یا بَدِيعُ یا خَفِيرُ یا مُعِينُ یا نَاشِرُ یا غَافِرُ یا قَدِيمُ یا مُسَهِّلُ یا مُيسِرُ

«۴۰» یا مُمِيتُ یا مُحْيِيُ یا نَافِعُ یا رازِقُ یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغِيثُ یا مُغْنِيُ یا مُقْنِيُ

«۴۱» یا خالِقُ یا راصِدُ یا واحِدُ یا حاضِرُ یا جابِرُ یا حافِظُ یا شَدِيدُ یا غِيائُ یا عَائِدُ یا قابِضُ

«۴۲» يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قُرْبُ قَدْنَا وَ بَعْدُ قَنَائِي وَ عَلِيمَ السَّرِّ وَ أَخْفَى

(۷۲)

۳۹. ای آگاه به شنیدنی‌ها، ای پدید آورنده. ای پناه دهنده، ای یاری کننده، ای منتشر کننده، ای آمرزنده، ای ازلی که از اول بودی، ای آسان کننده کارها، ای هموار کننده راه (مشکلات را حل می‌نمایی).

۴۰. ای گیرنده جان‌ها، ای حیات بخش، ای سود رساننده، ای روزی دهنده، ای قدرتمند و توانا، ای سبب ساز، ای فریاد رس، ای بی نیاز کننده، ای سرمایه دهنده.

۴۱. ای ایجاد کننده، ای حافظ و ناظر، ای یگانه، ای کسی که همه جا هستی، ای اصلاح کننده (و ای ترمیم کننده نقص‌ها و شکستگی‌ها) ای حافظ کننده، ای فریاد رس، ای دهنده (ای فایده رسان) ای گیرنده.

۴۲. ای بلندی که پس طلب برتری شایسته

(۷۳)

اوست، پس در جایگاه بلندی است، ای نزدیک است، پس نزدیک شد (در محضر او هستیم). و دور شد و در دست رس نیست. (از فهم و درک ما دور است). ای کسی که مخفی و پنهان نموده‌ها را می‌داند (عالم محضر خداست).

(۷۴)

«۴۳» يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّذْيِيرُ وَ لَهُ الْمَقَادِيرُ وَ يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

«۴۴» يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا دَالِجُودِ وَ السَّمَاحِ يَا رَادَّ مَا قَدَفَاتِ يَا نَاشِرِ الْأَمْوَاتِ

«۴۵» يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَا دَالِجِ الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

«۴۶» يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ لَا حَيَّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

(۷۵)

۴۳. ای کسی که مدیریت نظام هستی به سوی اوست و انداز‌گیری در همه امور برای اوست ای کسی که سختی‌ها برای او آسان و هموار است، ای کسی بر آنچه خواهد تواناست!!

۴۴. ای فرستنده بارها، ای شکافنده سپیده صبح، ای گسترش دهنده روح‌ها، ای صاحب بخشش و سخاوت، ای برگرداننده آنچه از دست رفته (زنده کردن مرده‌ها و...)، ای برانگیزنده مرده‌ها!!!

۴۵. ای جمع کننده پراکنده‌ها، ای روزی دهنده بدون حساب به کسانی که بخواد، ای انجام دهنده آنچه بخواد، بهر صورتی که بخواد ای صاحب بزرگی و کرامت!!!

۴۶. ای زنده پایدار، ای زنده زمانی که

(۷۶)

موجود زنده‌ایی نبود، ای زنده کننده مرده‌ها، ای زنده‌ایی که خدایی جز تو نیست، تو آفریننده آسمان‌ها و زمینی!!!

(۷۷)

«۴۷» يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

«٤٨» وَ ارْحَمْ ذُلِّي وَ فاقْتِي وَ فَقْرِي وَ انْفِرَادِي وَ وَحْدَتِي وَ خُضُوْعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ اعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ تَضَرُّعِي اِلَيْكَ

«٤٩» اَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمُهَيِّنِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ

«٥٠» الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ الْمَقْرَبِ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ

(٧٨)

٤٧. ای خدایم، ای سرورم! درود بر محمد و آل محمد بفرست و بر محمد و آتش رحم کن و بر محمد و اهل بیتش برکت کرامت نما چنانچه درود و برکت و رحمت بر حضرت ابراهیم و اهل بیت او فرستادی بدرستی که ستایش شده و پسندیده و بزرگی.

٤٨. خدایا! بر خواریم و نیازم و نداریم و تنها بیم و بی کسی‌ام و تواضع‌ام در محضرت و اعتماد بر تو و گریه و زاریم به حضورت،

٤٩. خدایا! ترا می‌خوانم، خواندن انسان فروتن حقیر متواضعی که از محضر تو می‌ترسد، هراس دارد، پریشان و خوار و کوچک و بی ارزش است.

٥٠. خدایا! ترا می‌خوانم، چون بنده‌ایی که پناه آورده و طلب پناه می‌نماید، گناهِش را

(٧٩)

اعتراف می‌کند، از گناهِش استغفار می‌نماید، بیچاره پرورش دهنده‌اش می‌باشد.

(٨٠)

«٥١» دُعَاءٌ مِنْ اَسْلَمْتُهُ ثِقْتَهُ وَ رَفَضْتُهُ اُحِبَّتَهُ وَ عَظِمْتَ فَجِيعَتُهُ

«٥٢» دُعَاءٌ حَرَقَ حَزِينٍ ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ

(٨١)

٥١. خدایا! ترا می‌خوانم خواندن کسی که در آتش غم و غصه می‌سوزد، ای ضعیف و خوار، پریشان و بیچاره، به تو رومی آورده است (از تو طلب پناه نموده است).

٥٢. خدایا! ترا می‌خوانم خواندن کسی که در آتش غم و غصه می‌سوزد، ضعیف و خوار، پریشان و بیچاره، به تو روی آورده است. (از تو طلب پناه نموده است).

٥٣. خدایا! از تو می‌خواهم، بدرستی که تو حاکمی و آنچه از کارها بخواهی انجام می‌شود و بدرستی که تو بر آنچه بخواهی توانا هستی.

٥٤. خدایا به احترام ماه حرام و خانه محرم و ماه مورد احترام و پایه کعبه (رکن حجران سود یا مستجار) و مقام ابراهیم نشانه عبادت و محل بزرگ می‌باشد (که دلالت بر عظمت و

(٨٢)

دین و آثار دینی دارد). و به حق پیامبرت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم که سلام بر او و اهلبیتش باد.

٥٥. ای کسی برای حضرت آدم علیه‌السلام شیث را بخشید و برا حضرت ابراهیم علیه‌السلام اسماعیل و اسحاق را بخشید. و ای کسی که حضرت یوسف علیه‌السلام را به حضرت یعقوب برگرداند.

٥٦. و ای کسی که بعد از بلاها و مشکلات سختی حضرت ایوب علیه‌السلام را حل نمود. ای کسی که حضرت موسی علیه‌السلام را به مادرش برگرداند و علم حضرت خفر را زیاد نمود.

۵۷. ای کسی که برای حضرت داود علیه السلام حضرت سلیمان علیه السلام و برای حضرت زکریا علیه السلام حضرت یحیی علیه السلام و برای حضرت مریم علیها السلام حضرت عیسی علیه السلام را بخشید.

(۸۳)

۵۸. ای حفاظت کننده دختر حضرت شعیب علیه السلام و ای کفالت کننده فرزند مادر حضرت موسی علیه السلام . از تو می خواهم بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی و همه گناهانم را بیاموزی .

۵۹. خدایا! مرا از عذابت پناه بده و رضایت خویش را و امانت و او نیکی ات را و آمرزنت را و بهشت را برای من واجب نما.

(۸۴)

«۵۳» اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ وَ أَنْتَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَ أَنْتَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الدِّيَةِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامِ يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئاً وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضَرْأَ أَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَ زَائِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمَانَ وَ لِيَزْكَرِيَّا يَحْيَى وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يَا كَافِلَ وَ لِدِ أُمَّ مُوسَى أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَ تُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ تُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ إِحْسَانَكَ وَ غُفْرَانَكَ وَ جَنَانَكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ

(۸۵)

يُؤَدِّبُنِي وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَ تُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَ تَكُفِّ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَ تَكْتِبَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حَاسِدٍ وَ تَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَ تَكْفِينِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي وَ يُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ وَ يُبْطِئَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَ قَهَرَ عُنَاةَ الشَّيَاطِينِ وَ أَدَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبَّرِينَ وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَصَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ تَسْهِيْلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار و طرف و روی خود را و بگو اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ أَمَنْتُ فَارْحَمْ دُلِّي وَ فَاقْتِي وَ اجْتِهَادِي وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْكِنَتِي وَ فَفَرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ.

(۸۶)

(۸۷)